

شما عظیم تر از آنی هستید که می اندیشید ۸

بها سبز

م ۷ و د ۷

چاپ هفدهم

مثل زرافه باش



بخندیم، شاد باشیم و رشد کنیم: داستان های کوتاه، طنز و مطالب جذاب پیرامون قوانین زندگی، کامیابی و موفقیت، خلاقیت، شخصیت، اخلاقیات، ارتباطات میان فردی و معنویت کسانی که دنبال جمعیت راه می افتند، هرگز جمعیتی دنبال آنها راه نمی افتد.

فهرست مطالب

۳۷	داستان یک خودکشی	نه	مقدمه
۳۹	شکارچی فرصت‌ها باش		
۴۰	شانس و بدشانسی	۱۱	فصل اول: موفقیت
۴۴	تا حالا که خوب بوده		تنها به اندازه نگرش تان با موفقیت
۴۶	او هنوز فوت کرده است	۱۳	فاصله دارید
۴۷	امورهای آنتونی رابینز	۱۷	خودت را دست‌کم نگیر
		۱۸	سکته توانایی‌ها
۴۹	فصل دوم: زندگی	۱۸	برای بزرگ بودن باید بزرگ...
۵۱	درس‌هایی از وین دایر	۲۱	احتیاط
۵۳	قدرت نگرش و برداشت‌های ذهنی	۲۲	ترسوها به بهشت نمی‌روند
۵۵	تنها حقایق، حقیقت دارند	۲۳	بیس‌بال در بهشت
۵۶	قدرت فکر و مثبت‌اندیشی	۲۵	جملاتی که از پلاگران‌تر هستند
۵۸	پیامک‌های روحیه‌بخش	۲۸	سخت‌ترین کار بیکار نشستن است
۵۹	خدا را شکر	۲۹	فرمول سرعت
۶۱	تابلوهای نقاشی	۳۰	ضرب‌المثل‌های موفقیت
۶۳	رستوران و مشاور	۳۱	پرنده به دنبال درخت می‌رود
۶۵	مبادله	۳۱	نه درخت به دنبال پرنده
۶۷	غفلت	۳۲	در کم نیاوردن کم نیاورید
۶۸	پیام‌هایی برای بهتر زیستن	۳۴	تمرکز روی خواسته
۷۰	باغ وحش	۳۵	در فرودگاه

«سامراست موام» نویسنده نامدار انگلیسی، داستانی دربارهٔ دربان کلیسای سنت پیتر در لندن دارد که بسیار خواندنی است: روزی کشیش محل با اطلاع از اینکه دربان کلیسای سواد است، او را از کار برکنار می‌کند.

مرد بیچاره از روی ناچاری با پس انداز ناچیز خود اقدام به باز کردن یک دگهٔ کوچک سیگار فروشی می‌کند و بعد با رو به راه شدن وضع اقتصادی‌اش دگهٔ دیگری می‌خرد و سرانجام کار به جایی می‌رسد که دگه‌های او به فروشگاه‌های زنجیره‌ای فروش تنباکو مبدل می‌شوند.



«سامراست موام»

اگر هواپیمایی سنگین باشد نمی تواند از زمین بلند شود، این امر در مورد افراد نیز صدق می کند. زیرا افکار منفی انسان را از پیشرفت باز می دارد و مانع ترقی و موفقیت می شود.

تنها به اندازه نگرش تان با موفقیت فاصله دارید

آبراهام مزلو از یکی از مراجعان خود قصه ای را روایت می کند. این مرد به عنوان بیمار به مزلو ارجاع داده شده بود؛ چون ادعا می کرد مرده و فقط یک جسد است. مزلو از او می پرسد: «تو فکر می کنی در بدن مرده هنوز خون جریان دارد؟ یا خیر، یعنی از بدن مرده خون بیرون می آید؟» او با صراحت جواب می دهد: «خیر.»

آنگاه مزلو با اجازه او یک سنجاق به نوک انگشت سبابه اش فرو می کند و خون فوران می زند. بیمار به محض دیدن رنگ خون با شگفتی تمام می گوید: «وای من چقدر احمق و جاهل بودم. معلوم شد که مرده ها هم خونریزی می کنند و از جسد بی جان هم خون می آید!»



یدر روان شناسی انسان گرا و روان شناسی
خودشکوفایی ... ۱۹۷۰ - ۱۹۰۸

تکنه اخلاقی: نگرش‌ها و چارچوب‌های ذهنی، اساس و بنیاد زندگی هر فرد را تشکیل می‌دهد، زیرا آنها مهم‌ترین عامل شکل‌دهی و سامان بخشیدن به رفتارهای انسانی‌اند. نگرش‌های هر فرد به او می‌گوید که دنیا را چگونه معنی و تجربه کند و در شرایط گوناگون چه عکس‌العملی از خود نشان دهد.

برای موفقیت و کامیابی در زندگی باید الگوها و نگرش‌های ذهنی یک برنده را دارا بود؛ چیزی که افراد شکست‌خورده فاقد آن هستند. الگوهایی ذهنی چون:

- ۱ - خودباوری
- ۲ - بزرگان‌اندیشی
- ۳ - مخاطره‌پذیری
- ۴ - پذیرش هزینه‌های موفقیت
- ۵ - تلاش مداوم و سخت‌کوشی
- ۶ - پشتکار
- ۷ - تمرکز روی اهداف
- ۸ - استفاده از فرصت‌ها
- ۹ - توانایی انطباق با تغییرات
- ۱۰ - عمل‌گرایی

آنچه در این فصل می‌آید، توضیح این الگوهای ذهنی در قالب داستان‌ها و نقل‌قول‌های متنوع است.

وقتی گنجی بزرگ را پیش چشم داریم

هرگز آن را نمی بینیم

می دانید برای چه؟

برای اینکه انسان

افسانه گنج را باور ندارد!

WWW.30BOOK.COM

می‌بینید که یک شمع کوچک شعله‌های
خود را تا کجا می‌گستراند، بنابراین
رفتار مناسبی را در دنیا منعکس کنید.

«شکسپیر»

خودت را دست کم نگیر

گروه کُر مدرسه برای اجرای کنسرت در مرکز شهر آماده شده بود. هوا خیلی سرد بود. مردم چند ساعتی در هوای سرد منتظر ماندند. بسیاری جمع شده بودند. رهبر ارکستر برای رهبری گروه در جای خود مستقر شد. در این میان یکی از اعضای ارکستر با خود چنین گفت: «در این سرما نمی‌توانم آواز بخوانم. پنجاه نفر در گروه وجود دارد، باید فقط دهانم را باز و بسته کنم، کسی متوجه نمی‌شود.»

... و رهبر ارکستر کارش را شروع کرد، اما صدایی نشنید. چون آن روز همه مانند هم فکر کرده بودند. «اگر من نخوانم چه می‌شود؟»

اگر من نخوانم چه می‌شود؟ این بزرگ‌ترین تحقیری است که یک انسان می‌تواند در حق خودش انجام دهد. در حقیقت معنی‌اش این است که «من هیچ ارزشی ندارم»، ولی در واقع وجود هر کس برای این دنیا ضروری است، وگرنه ما این‌جا نبودیم. بود و نبود ما برای این عالم مهم است و اثرگذار.

هر روز از خود سؤال کنید اگر همه مردم شهرتان، کشوری که در آن زندگی می‌کنید و در نهایت کل مردم دنیا مثل شما فکر کنند، ما چگونه شهر، کشور و جهانی خواهیم داشت؟

از کتاب «عمر کوتاه نیست ما کوتاهی می‌کنیم، مسعود علی»

مهم نیست چه کسی هستیم، مهم این است که چه کسی می توانیم بشویم.

سکه توانایی ها

دختری کوچک وارد فروشگاهی شد، سکه پنج سنتی خود را روی پیشخوان گذاشت و خواستار آب نبات شد. صاحب فروشگاه اظهار داشت که قیمت آب نبات ۶۵ سنت است. دختر کوچولو پس از کمی تأمل خواستار لیموناد شد. قیمت لیموناد گران تر از آب نبات بود. بستنی هم همین طور.

دختر کوچولو بی آنکه دست به سکه پنج سنتی خود بزند، غمگین راه خود را گرفت تا از فروشگاه بیرون برود. صاحب فروشگاه او را صدا زد و گفت که سکه پنج سنتی خود را جا گذاشته است. دختر که برگشت و گفت: «باشد، اشکالی ندارد. من که نمی توانم چیزی با آن بخرم.»

نتیجه اخلاقی: هر فرد دارای ثروتی است که با آن می تواند چیزهایی بخرد، ولی بعضی چیزها با میزان دارایی او قابل خریدن نیستند. توانمندی های ما نیز مانند پول و دارایی های ماست. قادر به انجام دادن کارهایی هستیم و از طرفی دیگر در سر و سامان دادن به برخی امور ناتوان می باشیم، اما هرگز نباید اجازه دهیم کارهایی که نمی توانیم انجام دهیم، در کارهایی که قادر به انجام آن هستیم اختلال ایجاد کند.

فکر کردن کاری است که همه
می‌کنند. حالا که این‌طور است
فکرهای بزرگ بکنید.

«رونالد ترامپ»

برای بزرگ بودن باید بزرگ فکر کنید

این داستان را یکی از دوستانم در یکی از کتاب‌فروشی‌های مشهد برایم تعریف کرد:

مردی در بیابان در حال گداز بود از آسمان ندا آمد که: «هر آنچه خواهی به تو داده می‌شود»

مرد فرصت را غنیمت شمرد و گفت: «می‌خواهم کوه روبه‌رویم تبدیل به طلا شود»

کوه بلافاصله به طلا مبدل گشت.

دوباره ندا آمد که: «دومین و آخرین خواسته‌ات را بگو»

مرد هیجان‌زده گفت: «کور شود هر آنکه از خدا چیزهای کوچک بخواهد»
مرد مسافر بلافاصله کور شد.

نکته: خدا بزرگ است؛ از خداوند بزرگ، چیزهای عظیم طلب کنید.

یک دعا

از خدا می‌خواهم آنچه را که شایسته‌تو هست به تو بدهد. نه
آن چیزی که آرزو داری، زیرا گاهی آرزوهای تو کوچک
هستند و شایستگی‌های تو بسیار.

یکی از اشراف‌زادگان انگلیسی بعد از مرگ در قصر بزرگش تعدادی نقاشی‌های گران‌قیمت به‌یادگار گذاشت. عموم مردم می‌توانستند که گاهی ببینند و از آن نقاشی‌ها دیدن کنند. روزی عده‌ای آمدند و همان‌طور که نقاشی‌ها را نگاه می‌کردند، آنها را تحسین کردند. خانم مسنی در بین آن گروه بود که حتی یک کلمه حرف نزد، اما به‌تمام نقاشی‌ها نزدیک می‌شد و با دقت آنها را بررسی می‌کرد. بعد از دیدن تمام نقاشی‌ها، شخصی از آن خانم پرسید: «نظر شما در مورد این تابلوها چیست؟» خانم مسنی با اشتیاق جواب داد: «عالی بود، من حتی ذره‌ای گرد و غبار روی آنها ندیدم.»

گاهی ما زیبایی‌های زندگی را به‌خاطر اینکه در جست و جوی عیب‌های آن هستیم از دست می‌دهیم.

«زندگی، هنر یافتن روزنه در تاریکی است»



یک سر و کمر از بقیه بالاتر
مثل ترا باقی

